

Designing an Operational Model for Qardh al-Hasanah Based on Contemporary Jurisprudential Theories

Mohammad Rajai Baghsiai 

Assistant Professor (Professor equivalent), Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran
Email: rajaei@atu.ac.ir



Citation Mohammad Rajai Baghsiai . [Designing an Operational Model for Qardh al-Hasanah Based on Contemporary Jurisprudential Theories(AS) (Persian)]. [EGHTESAD-E ISLAMI \(A Quarterly Journal on Islamic Economics\)](#). 2025; 25 (97): 69-102

 [10.22034/iec.2025.2055745.2864](https://doi.org/10.22034/iec.2025.2055745.2864)

Received: 08 April 2024 , Accepted: 05 August 2024

Abstract

One of the major challenges facing the banking system and capital market in Iran is their formalistic implementation, which has led to adverse economic and even cultural consequences. A key cause of this formalism is the inability of exchange-based and partnership-based contracts to address certain financial needs—such as debt repayment and working capital financing—for individuals and productive enterprises. Such financial needs are primarily linked to Qardh al-Hasanah (interest-free lending). However, since the purchasing power of the lender is not preserved in such loans, this virtuous tradition has increasingly fallen into disuse. This study, employing a descriptive-analytical method, seeks to develop an operational model through which Qardh al-Hasanah can be utilized for financing at both small and large scales, and for both short-term and long-term needs. By examining Qardh al-Hasanah and riba (usury) from jurisprudential and economic perspectives, and drawing on the legal opinions (fatwas) of leading Islamic jurists, the research concludes that it is permissible to issue Qardh al-Hasanah bonds under the condition that the purchasing power of the loan is preserved—up to the level of inflation. Similarly, in the mobilization and allocation of financial resources, the use of Qardh al-Hasanah with a condition of maintaining purchasing power can be justified within this jurisprudential framework.

Keywords

Islamic Banking, Qardh al-Hasanah, Riba (Usury), Inflation, Purchasing Power, Islamic Finance





شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتمال جامع علوم انساني



طراحی مدل اجرائی قرض الحسنه

مبتنی بر نظریات فقهی جدید

محمد رجائی باغسیائی ^{ID}

استادیار (همتراز استاد) دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

Email: rajaei@atu.ac.ir



Citation Mohammad Rajai Baghsiai . [Designing an Operational Model for Qardh al-Hasanah Based on Contemporary Jurisprudential Theories(AS) (Persian)]. [EGHTESAD-E ISLAMI \(A Quarterly Journal on Islamic Economics\)](#). 2025; 25 (97): 69-102

[10.22034/iec.2025.2055745.2864](https://doi.org/10.22034/iec.2025.2055745.2864)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

چکیده

یکی از دغدغه‌های جدی در سیستم بانکی و نیز بازار سرمایه صوری عمل کردن این دو و آثار سوء اقتصادی و حتی فرهنگی ناشی از این امر است. یکی از مهم‌ترین علل صوری عمل کردن، عدم پاسخگویی عقود مبادله‌ای و مشارکتی به برخی از نیازهای مالی مردم و بنگاه‌های تولیدی از قبیل پرداخت بدهی و تأمین سرمایه در گردش است. تأمین این گونه نیازها در مرتبه اول مربوط به قرض الحسنه است. ولی از آنجاکه در قرض الحسنه قدرت خرید قرض‌دهنده جبران نمی‌شود در عمل روزه‌روز این سنت حسنه به انزوا رفته و استفاده از آن محدود شده است. این مقاله درصدد آن است که با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به طراحی مدلی بپردازد که بتوان از قرض الحسنه جهت تأمین مالی در سطح کوچک و بزرگ و کوتاه‌مدت و بلندمدت برای انواع نیازها استفاده نمود. بر این اساس ضمن بررسی قرض الحسنه و ربا از منظر فقهی و اقتصادی و با استفاده از فتوای برخی مراجع عظام این نتیجه گرفته شد که با توجه به لزوم جبران قدرت خرید پول در قرض، می‌توان هم اوراق قرض الحسنه در سطح گسترده با شرط جبران قدرت خرید حداکثر تا سطح تورم منتشر کرد و هم در تجهیز و تخصیص منابع می‌توان از قرض الحسنه با قید جبران قدرت خرید استفاده نمود.

واژگان کلیدی

بانک، قرض الحسنه، ربا، تورم، کاهش ارزش پول.



مقدمه

قرض الحسنه یکی از ویژگی‌های ممتاز بانکداری اسلامی است و در فرهنگ اسلامی به عنوان يك امر عبادی مطرح است که موجب قرب قرض دهنده به خداوند متعال می‌گردد. در اسلام، قرض الحسنه در ردیف مسائلی چون نماز، زکات، صدقه و انفاق آمده است و همان نقشی را که آنها در پالایش روحی و ارتقای معنوی جامعه دارند قرض الحسنه هم دارا می‌باشد. جالب است که بدانیم در هر کجا نامی از قرض در قرآن مجید آمده است صفت حسنه هم به دنبال آن می‌باشد. «بحث قرض در قرآن در پنج سوره آمده است: بقره، مائده، حدید، تغابن و مزمل و در مجموع، در دوازده آیه بحث از قرض شده است» (ابراهیمی، ۱۳۷۱، ص ۱۳).

در مورد قرض الحسنه تفاسیر متعددی صورت گرفته است که یکی از آنها قرض بدون رباست. علی‌رغم اهمیت قرض الحسنه در اسلام و نقش بی‌بدیل آن در بانکداری اسلامی متأسفانه آن گونه که شایسته این نهاد اسلامی است از آن استفاده نشده است؛ برای رفع این نقیصه این مقاله در پی آن است که با بررسی عوامل مهجور ماندن این عقد و ارائه پیشنهادهایی جدید زمینه استفاده بهینه از آن را فراهم آورد. بدین منظور ابتدا مفهوم قرض الحسنه و ربا بررسی می‌شود، سپس مباحث فقهی اخیر در باب لزوم کاهش ارزش پول مطرح خواهد شد. در ادامه روش‌های مورد استفاده تاکنون بحث و در پایان ضمن بررسی مدل‌های موجود مدل منتخب معرفی خواهد شد؛ بنابراین سؤال تحقیق عبارت است از اینکه بر اساس نظریات فقهی جدید مدل اجرائی مناسب برای قرض الحسنه چیست؟ روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیلی- توصیفی و نتیجه تحقیق کاربردی خواهد بود. نوآوری تحقیق تبیین لزوم جبران کاهش ارزش پول در قرض با بررسی اجمالی نظرات موافق و مخالف و پاسخ به استدلال‌های مخالفین و اثبات لزوم جبران کاهش ارزش پول و طراحی مدل اجرائی قرض الحسنه است.

پیشینه تحقیق

هادوی‌نیا (۱۳۷۸، ص ۲۲۲) در کتاب قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن طرحی را پیشنهاد می‌دهد که بر اساس آن نهادهای مرتبط با قرض‌الحسنه یعنی صندوق‌ها، نظام بانکی بدون ربا و کمیته امداد امام خمینی (ره) در هماهنگی با یکدیگر به اعطای قرض‌الحسنه می‌پردازند. اجمالاً این طرح شناسایی نیازمندان و جمع‌آوری سپرده‌ها را بر عهده صندوق‌ها و کمیته امداد و انتشار اوراق قرض‌الحسنه و دریافت اقساط را بر عهده بانک‌ها قرار می‌دهد. این مدل و طرح از نظر اجرائی و اصابت قرض‌الحسنه به هدف و رسیدن آن به دست نیازمندان واقعی با توجه به مشارکت کمیته امداد که در این زمینه تخصص دارد و نیز مشارکت صندوق‌ها به دلیل مردمی بودن و شناخت افراد و اطلاع از نیاز آنها طرح بسیار خوبی است و می‌تواند در طراحی مدل‌های تأمین مالی خرد مورد استفاده قرار گرفته و کارکرد بهینه‌ای از خود نشان دهد؛ ولی چون بحث جبران ارزش پول مدنظر قرار نگرفته است نمی‌تواند به عنوان یک مدل فراگیر مورد استفاده قرار گیرد و تقاضاهای قرض‌الحسنه برای کارهای تولیدی و خدماتی بزرگ را تحت پوشش دهد.

موسویان و میثمی (۱۳۹۷، ص ۶۸-۹۸) در مقاله با عنوان «سپرده تعاونی (امتیازی) به عنوان نسل دوم فعالیت‌های قرض‌الحسنه» مبانی روایی و فقهی سپرده‌های امتیازی، مدل‌های عملیاتی قابل اجرا و شبهات مطرح در رابطه با این دسته از سپرده‌ها را بررسی کرده‌اند. آنها فعالیت‌های قرض‌الحسنه را به دو نسل تقسیم کرده‌اند: نسل اول یا همان قرض‌الحسنه سنتی است و نسل دوم که از آن به «سپرده‌های امتیازی» یاد می‌کنند؛ بدین معنی که از سپرده‌های خود متقاضیان قرض‌الحسنه برای پرداخت وام به آنها استفاده می‌شود.

حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۹، ۱۲۷-۱۴۱) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و ارزیابی چالش‌های فقهی اقتصادی سپرده امتیازی در چارچوب نظام بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران» به بررسی چالش‌های این گونه از

سپرده‌ها پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که نوع عملکرد نظام بانکی در سپرده امتیازی دارای مشکلاتی از قبیل وجود شبهه ربا در مدل قرضی، عدم رعایت انصاف در تخصیص منابع قرض‌الحسنه، عدم مقبولیت مدل وکالتی نزد بانک‌ها، تضعیف قرض‌الحسنه نوع اول، فهم غلط مشتریان و افزایش احتمال وقوع بازی پانزی است. پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که بهتر است نظام بانکی از روش سپرده امتیازی برای جذب و تخصیص منابع قرض‌الحسنه استفاده نکنند. این انتقاد بر سپرده‌های امتیازی موجه به نظر می‌رسد.

فروغ‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶، ص ۳۵-۶۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «اوراق قرضه و تأمین مالی کسب و کارهای اجتماعی» اظهار می‌دارند که امکان ایجاد بازاری به نام «بازار کسب و کار اجتماعی» و انتشار نوعی اوراق مبتنی بر قرض‌الحسنه به نام «اوراق قرض‌الحسنه اجتماعی» وجود دارد که با استفاده از آنها می‌توان به تأمین مالی و توسعه کسب و کارهای اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی اقدام کرد.

ناجی (۱۳۹۸، ص ۴۶۵-۴۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی عقد قرض به عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی» این سؤال را مطرح می‌کند که آیا در یک نظام بانکداری بدون ربا، استفاده از عقد قرض در معاملات سودآور بانکی امکان‌پذیر است؟ ایشان به روش توصیفی و تحلیل محتوا در پی اثبات این فرضیه است که عقد قرض این قابلیت را دارد که مانند سایر عقود اسلامی در یک نظام بانکی بدون ربا و در یک چارچوب سودآور برای بانک به کار گرفته شود. این پژوهش با بررسی ویژگی‌های عقد قرض و ضرورت تفکیک مفهوم عام «قرض» در شریعت اسلامی از مفهوم خاص «قرض‌الحسنه» با برشمردن مزایای این عقد، مکانیزمی پیشنهاد می‌کند که بر اساس آن قرارداد قرض در بستری سودآور و غیرربوی در یک نظام بانکی قابل استفاده است.

در پیشنهاد نویسنده، یکی از سه ویژگی لازم برای احراز ربای قرضی (شرط

اخذ زیاده بر قرض) از قرارداد حذف شده و اختیار تعیین میزان پرداخت زیاده بر قرض، در اختیار قرض کننده قرار می گیرد. هر مشتری در این سازوکار، دارای امتیازی در سیستم بانکی است که نشان دهنده میزان جذابیت مشتری برای بانک است؛ اعتبار مشتری و سودآوری وی دو معیار این جذابیت هستند. اعتبار مشتری شاخصی برای ریسک بازپرداخت (اصل) تسهیلات واگذار شده به مشتری است و سودآوری وی شاخصی برای تخمین میزان زیاده‌ای است که مشتری احتمالاً به همراه اصل وام پرداخت خواهد کرد.

این مطالعه گرچه راهی برای اخذ مازاد تحت عنوان اخذ زیادی غیرمشروط و اختیاری پیشنهاد نموده است که می‌تواند در صورت اجرا در بعضی موارد بخشی از کاهش ارزش پول را جبران کند ولی اولاً چون اختیاری است معلوم نیست چند درصد از وام گیرندگان اقدام به پرداخت زیادی خواهند کرد و ثانیاً چند درصد اضافه خواهند پرداخت و آیا جبران کاهش ارزش پول خواهد کرد یا خیر؟ لذا این طرح هم گرچه یک گام به جلو است، ولی برای رونق قرض الحسنه کفایت نمی‌کند و نیاز به کار بیشتر و طرح جامع‌تر احساس می‌شود که این مقاله درصدد آن است.

مفهوم قرض

قرض از نظر لغوی به معنای قطع کردن و بریدن است (ابراهیمی، ۱۳۷۱، ص ۱۲). کلمه قرض واژه‌ای عربی و معادل فارسی آن وام می‌باشد؛ ولی در اصطلاح فقها عبارت است از: «تملیک مال به دیگری با ضمان»؛ به این معنی که عین، مثل و یا قیمت مال قرض داده شده بر عهده مقترض باشد و به قرض دهنده مقرض و به قرض گیرنده مقترض یا مستقرض می‌گویند (امام خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۴۹).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: اگر مال مقترض مثلی باشد در ذمه مقترض مثل آن ثابت می‌شود و اگر قیمی باشد، قیمت آن در ذمه اش ثابت می‌ماند.

در اینکه قیمت حال قبض و اقتراض را بپردازد با قیمت روز اداء دو وجه است که اقرب آن وجه اول است؛ هرچند تصالح و تراضی در مقدار تفاوت بین دو قیمت احوط است (همان، ج ۱، ص ۳۷۵). البته نظر امام (ره) در مورد تعذر مثلی این است که باید قیمت یوم‌الرد پرداخت شود؛ زیرا بر اساس مبنایی که ایشان در این بحث انتخاب می‌کنند اداء قیمت يك نحو خاصی از اداء عین است؛ نه اینکه ضمان از مثل به قیمت منتقل شده باشد که بحث کنیم آیا زمان تعذر مثل ملاك قیمت‌گذاری است یا زمان اداء.

ربا

از آنجا که مسئله تحریم ربا یکی از عناصر اصلی قرض الحسنه است لازم است این بحث کمی مفصل‌تر بررسی شود.

معنای لغوی ربا

ربا از نظر لغوی به معنای زیادی و ارتفاع است. «ربا الشَّيْءُ يَرْبُو (ربوا كعلو) و فی الصحاح ربوا بالفتح و (رباء) ... (زاد و نما) و علا ... و منه قوله تعالی و یربی الصدقات» (الزبید، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۱۴۳).

معنای اصطلاحی

ربا در اصطلاح فقها نوع خاصی از زیادی و نمو است. در بعضی از کتب فقهی این گونه تعریف شده است: «ربا مازادی است که در مبادله دو شیء متجانس گرفته می‌شود؛ بدون اینکه این زیادی در مقابل عوضی قرار گرفته باشد» (الجزیری، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۴۵). همان گونه که مشاهده می‌شود، این تعریف جامع افراد نیست؛ زیرا فقط ربای معاملی را دربر گرفته و شامل ربای قرضی نمی‌گردد. در تعریف کامل‌تری این گونه آمده است؛ ربا عبارت است از مبادله دو چیزی که:

۱. متماثل و هم‌جنس باشند؛

۲. با کیل و وزن اندازه گیری شوند (ملاك مكيل و موزون بودن،^۱ زمان پیامبر اسلام (ص) است و یا این است که عادتاً مکیل و موزون باشند) (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۴۴۷)؛
۳. زیادی حقیقی یا حکمی وجود داشته باشد و یا قرض دادن با گرفتن زیادی ولو اینکه مکیل و موزون نباشند، به شرط اینکه ریادهنده کافر حربی نباشد و یا طرفین معامله پدر و فرزند و زن و شوهر نباشند (همان).
- این تعریف، نسبتاً جامع است؛ زیرا هم جامع افراد و هم مانع اغیار می باشد؛ یعنی هم انواع ربا را شامل می شود و هم موارد استثنا را خارج می سازد.

ربا از نظر فقهی

امام خمینی (ره) می فرمایند: «حرمت ربا به وسیله کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است، بلکه بعید نیست که از ضروریات دین باشد. ربا از گناهان کبیره است و تأکید زیادی بر حرمت آن در کتاب عزیز و روایات متعدد وارد شده است (امام خمینی، [بی تا]، ج ۱، ص ۵۳۶). صاحب جواهر نیز تعبیری شبیه کتاب تحریر الوسیله دارد: «ربا حرام است؛ هم از نظر کتاب و هم از نظر سنت و هم از نظر اجماع مؤمنین، بلکه اجماع مسلمین و بعید نیست که از ضروریات دین باشد و کسانی که آن را حلال بشمرند در زمره کفار قرار بگیرند» (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۳۳۳).

در کتب اهل سنت نیز آمده است:

«از جمله معاملات فاسدی که به طور مؤکد مورد نهی قرار گرفته است ربا است ... خلاقی در حرمت ربای نسیه بین ائمه مسلمین نیست ... و این مسئله به وسیله کتاب خدا و سنت رسول خدا و اجماع مسلمین ثابت شده است» (الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۴۵).

۱. به چیزهایی که با کیل و پیمانه اندازه گیری می شوند، مکیل و به چیزهایی که با وزن اندازه گیری می شوند موزون گفته می شود.

همان‌طور که پیداست، مسئله حرمت ربا و اهمیت آن از مسائل متفق علیه است و کتب مذکور یا به‌طور مطلق ربا را حرام دانسته و یا قسم خاصی از آن را ذکر کرده‌اند.

انواع ربا

الف) ربای معاملی

امام خمینی (ره) در تعریف این نوع از ربا می‌فرماید: «ربای معاملی عبارت است از معامله یکی از مثلیین به دیگری همراه با زیادی عینی مانند فروش يك من گندم به دو من گندم یا به يك من گندم و يك درهم یا همراه با زیادی حکمی» (امام خمینی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۵۳۶).

برای ربای معاملی دو شرط ذکر شده است:

۱. اتحاد ثمن و مثنی در جنسیت: ملاك در تشخیص این اتحاد عرف است؛ یعنی هر ثمن و مثنی که عرف جامعه آنها را از يك جنس دانست مبادله آن دو با گرفتن زیادی جایز نیست.

۲. مکیل و موزون بودن: شرط بودن این دو در ربای معاملی مشهور بین فقهاست؛ حتی صاحب کتاب جواهر الکلام ادعای شهرت عظیمه و نقل اجماع بر شرطیت این دو می‌کند (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۴۶۳).

خرید و فروش پول

بعضی از فقها با استفاده از این شرطیت و با اضافه کردن این مقدمه که اسکناس‌های امروزی مالیت دارند و مانند سفته نیستند که فقط جنبه سندیت داشته باشند، فتوی داده‌اند که خرید و فروش اسکناس به زیاده جایز است؛ یعنی می‌توان يك اسکناس هزار تومانی را به هزار و دویست تومان فروخت؛ چرا که اسکناس از معدودات است و نه مکیل و موزون. البته شهید مطهری در شرطیت این دو تردید می‌کند و می‌فرماید این دو موضوعیت ندارند آنچه ملاك است کمیت است؛ یعنی آنچه ارزش آنها به کمیتشان

بستگی دارد در آن ربا هست (شهید مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۹) و بنابراین آنچه که ارزشش به کمیت وابسته نیست بلکه به مشاهده ارزش آنها فهمیده می‌شود در آنها ربا نیست. در واقع ایشان معدودات را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: يك دسته آنها که ارزششان به کمیتشان است؛ مانند جنس‌های فابریکی، مثلاً لیوان‌های از يك مدل ارزششان در کمیتشان است. ارزش يك لیوان دو برابر دو لیوان است؛ ولی بعضی از معدودات هستند که ارزششان به کمیت نیست؛ مثلاً يك اسب ممکن است برابر دو اسب ارزش داشته باشد. تعیین ارزش اسب بستگی به مشاهده دارد و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در آن قسم از معدودات که ملاك ارزش آنها کمیت است ربا جاری است و از آن جمله هم اسکناس می‌باشد؛ ولی در آن قسم از معدودات که ارزش آنها با مشاهده معلوم می‌شود مانند اسب و لباس و ماشین و ... در آنها ربای معاملی جاری نیست.

امام خمینی (ره) هم معامله اسکناس را به بیشتر منع می‌کنند؛ البته به شرط اینکه منظور از این معامله تخلص از ربا باشد.

آیت‌الله مکارم می‌فرمایند: برخی از فقها حکم به جواز فروش مقدار مشخصی از پول کاغذی به مبلغی بیشتر در یک دوره زمانی معین داده‌اند؛ مثلاً کسی امروز هزار تومان را به هزار و دویست تومان برای دو ماه بعد می‌فروشد، مشروط بر اینکه قصد واقعی او فروش باشد نه دریافت سود قرض؛ زیرا در این حالت قرض با سود ربا محسوب شده و قطعاً حرام است.

ولی این نظر را نمی‌پذیرند و می‌فرمایند: «پول کاغذی در عرف عقلا به عنوان وسیله‌ای برای مبادله (ثمن) در نظر گرفته می‌شود، نه به عنوان کالایی که خرید و فروش می‌شود (مثنناً)؛ از این رو، فروش پول معمولاً فقط در حالتی اتفاق می‌افتد که فرد قصد قرض‌دهی داشته باشد و به دنبال دریافت سود از آن باشد که این امر ربا محسوب می‌شود؛ بنابراین آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» شامل خرید و فروش پول کاغذی نمی‌شود؛ زیرا عقود متعارف در

بین عقلا را در برمی گیرد و تمام انواع عقود را شامل نمی شود. در این میان، تنها دو مورد برای جواز خرید و فروش پول کاغذی مطرح شده است:

الف) تبدیل انواع مختلف پول: مانند فروش دلار در برابر ریال که یک معامله عقلایی و رایج بین عقلا محسوب می شود.

ب) تبدیل دین مدت دار به دین نقدی: برای مثال، اگر زید طلبی مدت دار به مبلغ صد هزار تومان از عمرو داشته باشد که موعد پرداخت آن یک ماه دیگر است، اما زید همین طلب را به مبلغ نود هزار تومان نقداً به عمرو بفروشد، این معامله نیز مشکلی ندارد؛ زیرا در بین عقلا رایج است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۷).

ب) ربای قرضی

عبارت است از اینکه کسی قرضی بدهد به شرط زیاده. مسئله قابل ذکری که در قرض ربوی هست این است که در ربای قرضی لازم نیست چیزی که قرض داده می شود مکیل یا موزون باشد (آن گونه که در ربای معاملی شرط بود)، بلکه در معدودات هم ربای قرضی وجود دارد.

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «شرط زیاده جایز نیست به این صورت که قرض دهنده قرض بدهد به شرط اینکه قرض گیرنده بیشتر از آنچه قرض گرفته است بپردازد؛ چه زیادی را به طور صریح شرط کنند و چه به طور ضمنی؛ به طوری که قرض مبنی بر زیاده واقع شود و این ربای قرضی است که تأکید زیادی بر حرمتش شده است و فرقی در زیادی بین اینکه زیادی عینی باشد مانند ده درهم به دوازده درهم یا عمل باشد مانند دوختن لباس برای قرض دهنده، یا منفعت یا انتفاع باشد مانند انتفاع به عین مرهونه ای که نزد قرض دهنده است یا صفت باشد مثل اینکه درهم های شکسته قرض بدهد به شرط اینکه درهم های سالم تحویل بگیرد، نیست و همین طور فرقی نیست بین اینکه مال مقترض مکیل و موزون باشد یا

معدود باشد مانند گردو و تخم‌مرغ» (امام خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۵۳). همان‌طور که امام خمینی (ره) بیان کردند، در صورتی قرض، ربوی و حرام می‌شود که شرط زیاده باشد؛ اما اگر خود قرض گیرنده بدون شرط قبلی بخواهد مقداری اضافه پرداخت نماید نه تنها حرام نیست، بلکه پسندیده هم هست. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «کسی که ورقی را به دیگری قرض بدهد پس باید شرط نکند مگر مثل همان را؛ اما اگر قرض گیرنده بهتر از آن را داد باید قبول کند و هیچ‌کدام از شماها نباید سواری چارپا یا عاریه متاعی را که به خاطر قرض شرط شده است بپذیرد» (الحر العاملی، [بی‌تا]، ج ۳، باب ۲۰ از ابواب قرض، ح ۱). در کتب فقهی هم به مضمون روایت فتوا داده شده است که جهت اختصار از نقل آنها خودداری می‌گردد.

مسئله دیگری که در قرض مطرح است بازپرداخت قرض است و اینکه در چه صورتی ذمه قرض گیرنده بری می‌شود. برای پاسخ به این سؤال باید گفت اصولاً چیزی که به قرض داده شده است یا مثلی است یا قیمی. اگر مثلی باشد باید آن را با همان اوصاف بپردازد؛ چه قیمتش تغییر کرده باشد و چه نکرده باشد و در صورت پرداخت مثل، هیچ‌کدام حقی بر دیگری ندارند؛ اما اگر بخواهد قیمت آن را بپردازد احتیاج به رضایت طرفین دارد؛ ولی اگر قیمی باشد ذمه قرض گیرنده به قیمت مشغول است و در این صورت در اینکه آیا قیمت روزی که قرض گرفته ملاک است یا روز بازپرداخت قرض؟ مشهور این است که قیمت روزی را که قرض گرفته ضامن است، ولو اینکه قیمت بالا و پایین برود. البته صاحب جواهر (ره) می‌فرماید که اگر در اینجا هم گفته شود که مثل را ضامن است حرف نیکویی است؛ زیرا که مثل به حقیقت شیئی نزدیک‌تر است از قیمت (نجفی، ۱۴۱۲ ق، ج ۸، ص ۱۷).

مثلی یا قیمی بودن پول‌های اعتباری

بحثی که اینجا به‌طور طبیعی پیش می‌آید این است که اسکناس و پولی که در زمان ما رایج است چه حکمی دارد؟ آیا مثلی است یا قیمی؟ و اگر

مثلی است مثلثش به چیست؟ آیا کاهش ارزش پول باید جبران شود یا نه؟ قبل از پرداختن به این بحث، باید تعریف مثلی و قیمی روشن گردد. در تعریف مثلی بین علما اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود؛ اما مشهور این است که مثلی، چیزی است که اجزای قیمت بر اجزای جنس قابل تطبیق باشد؛ یعنی اگر یک کیلو گندم ۲۰۰۰۰ تومان است نیم کیلو ۱۰۰۰۰ تومان و ۲۵۰ گرم ۵۰۰۰ تومان باشد و هر چیزی که این خصوصیت را نداشته باشد قیمی است.

در مورد اینکه پول‌های کاغذی و اعتباری مشمول کدام یک است، اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود. در کتاب فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع) که زیر نظر مرحوم آیت‌الله هاشمی شاهرودی تحقیق و تألیف شده آمده است: مشهور فقها پول‌های طلا و نقره را که ارزش ذاتی دارند، مثلی می‌دانند؛ ولی درباره پول‌های اعتباری دیدگاه‌ها متفاوت است؛ برخی که تقسیم‌بندی به مثلی و قیمی را ویژه اموال حقیقی می‌دانند، بر آن هستند که پول اعتباری نه مثلی است و نه قیمی؛ ولی معروف میان معاصران مثلی بودن آن است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۸۸).

بنابراین می‌توان گفت اسکناس مثلی است و بر همین اساس تعداد زیادی از فقها نظرشان این است که ضمان در نقود، حتی نقود اعتباری مثلی است؛ یعنی اگر کسی صد تومان از کسی قرض کرد و یا صد تومان از کسی تلف کرد بعد از هر چند سالی که بخواهد ذمه‌اش را بری کند با پرداخت همان صد تومان ذمه‌اش بری می‌شود. این نظر در زمان عدم تورم موجه است؛ اما در زمان وجود تورم با قاعده عدالت ناسازگار است؛ مخصوصاً وقتی بدانیم که اصلاً فقها مسئله مثلی و قیمی را برای این مطرح کرده‌اند که هر کسی به حق خود برسد؛ چون وقتی قرض گیرنده یا تلف‌کننده مالی، مثل همان مال را بدهد این به حقیقت نزدیک‌تر است تا اینکه قیمتش را بدهد و در قیمیات هم چون مثل برایش وجود ندارد و پی‌بردن به کنه آن آسان نیست،

لذا فتوا به بازپرداخت قیمت داده‌اند و گفته‌اند قیمت به عدالت نزدیک‌تر است. قرآن کریم هم یکی از علل یا حکمت‌های تحریم ربا را ظلم می‌داند که مقابل عدالت است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۸-۲۷۹): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا را پیشه کنید و رها کنید آنچه را از ربا باقی مانده است، اگر به راستی اهل ایمانید. پس اگر ترك ربا نكرديد آگاه باشید كه به جنگ خدا و رسول او برخاسته‌ايد و اگر از اين كار پشيمان گشتيد اصل مال شما براي شماست؛ به کسی ستمی نکرده‌اید و ستمی نکشیده‌اید.

این آیه مبارکه حکم قبلی ربا را مورد تأکید قرار می‌دهد. ضمناً از این آیه فهمیده می‌شود که تحریم قبلی آن گونه که باید اثر خود را نگذاشته و ربا از جامعه ریشه کن نشده است؛ لذا خداوند تبارک و تعالی با شدت هرچه تمام‌تر تحریم ربا را مورد تأکید و آن را در زمره اعلان جنگ با خود قرار داده است. مرحوم علامه طباطبائی در مورد قسمت آخر آیه می‌فرمایند: این آیه دلالت دارد، نخست بر تأیید مالکیت اصلی، دوم بر اینکه گرفتن ربا نوعی ظلم است؛ همان‌طور که قبلاً اشاره شد و سوم بر صحت انواع معاملات؛ زیرا در اینجا از اصطلاح «رؤوس أموالکم» استفاده شده است و مال زمانی به عنوان «رأس» شناخته می‌شود که در معاملات و روش‌های کسب و کار به کار رود (طباطبائی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۲۳).

در تفسیر نمونه هم آمده است: «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ یعنی اگر توبه کنید و دستگاه رباخواری را برچینید حق دارید سرمایه‌های اصلی خود را که در دست مردم دارید (به استثنای سود) از آنها جمع‌آوری کنید و این قانون کاملاً عادلانه است؛ زیرا که هم از ستم کردن شما بر دیگران جلوگیری می‌کند و هم از ستم وارد شدن بر شما و در این صورت نه ظالم خواهید بود و نه مظلوم. جمله «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» گرچه در

مورد رباخواران آمده، ولی در حقیقت يك شعار وسیع پرمایه اسلامی است که می‌گوید: به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری بپرهیزند از تن دادن به ستم نیز باید اجتناب کنند؛ اصولاً اگر ستمکش نباشد ستمگر کمتر پیدا می‌شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی‌تواند به آنها ستم کند. باید پیش از آنکه به ظالم بگوییم ستم مکن، به مظلوم بگوییم تن به ستم مده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۳۸).

حال که ملاک، رسیدن به عدالت شد، خیلی روشن است که کسی که ۳۰ سال پیش صد هزار تومان قرض کرده یا غصب نموده اگر حالا بیاید صد هزار تومان را پس بدهد، هیچ‌کس نمی‌گوید این شخص به حقش رسیده است و به همین خاطر بعضی از فقها در چنین مواردی گفته‌اند باید مصالحه کنند؛ یعنی معلوم می‌شود آنها هم به این مسئله توجه دارند که شخص به حق خود نمی‌رسد و چون ادله‌ای که در اختیار دارند راهی جلوی پایشان نمی‌گذارد قائل به مصالحه می‌شوند.

به‌طور کلی در رابطه با جبران کاهش قدرت خرید پول اعتباری چهار نظر وجود دارد:

عدم لزوم جبران مطلقاً؛

لزوم جبران در تفاوت فاحش؛

تفصیل بین بدهکاری اولیه و عدم پرداخت در زمان مقرر؛ بدین صورت که اگر کسی قرض بگیرد و یا معامله نسیه انجام دهد و در موعد مقرر بدهی خود را بپردازد، نیازی به جبران نیست؛ ولی اگر نپرداخت باید کاهش ارزش پول را جبران کند؛

لزوم جبران مطلقاً.

آیت‌الله سید محسن خرازی معتقدند: «مثلی فقط با مثلی ضمانت می‌شود و نتیجه آن این است که در هنگام قرض دادن هزار تومان، بدهی به همان مقدار یعنی هزار تومان ثبت می‌شود؛ حتی اگر در زمان پرداخت، قدرت

خرید کاهش یافته باشد؛ زیرا ماهیت قرض، انتقال مالکیت یک چیز با ضمانت واقعی است، نه ضمانت قراردادی و ضمانت واقعی در امور مثلی با همان نوع و در امور قیمی با همان ارزش انجام می‌شود. ادعای اینکه قرض بر اساس قدرت خرید محاسبه می‌شود، با ماهیت واقعی قرض سازگار نیست؛ دلیل این امر آن است که در هنگام گرفتن و بازپرداخت قرض، میزان قدرت خرید در نظر گرفته نمی‌شود. علاوه بر این، اگر لازم بود قدرت خرید در نظر گرفته شود، در هنگام بازپرداخت، اگر قدرت خرید افزایش یافته باشد، بدهکار می‌توانست مبلغی کمتر از مقدار دریافتی پرداخت کند که این امر منطقی به نظر نمی‌رسد» (خرازی، ۱۴۲۳، ق، ج ۴، ص ۳۴۱).

همچنین آیت‌الله سبحانی در این زمینه می‌فرمایند: «اگر مجتهد نتواند از قواعد اولیه و روایات مربوطه حکم شرعی را استنباط کند، نوبت به اصل عملی می‌رسد که در این مورد مرجع، اصل برائت است؛ زیرا این موضوع از نوع اقل و اکثر استقلالی است؛ به این معنی که ضامن می‌داند که مقدار کمتر واجب است، اما در مورد مقدار بیشتر شک دارد؛ بنابراین اصل برائت جاری می‌شود. همان‌طور که در جای خود بررسی شده، مثلاً اگر کسی به‌طور اجمالی بداند که به زید بین یک دینار یا دو دینار بدهکار است، این علم اجمالی به علم تفصیلی در وجوب مقدار کمتر و شک ابتدایی در مورد مقدار بیشتر تبدیل می‌شود که در مورد شک بیشتر، اصل برائت جاری خواهد شد و همین مسئله در این مورد نیز به شکل مشابه اعمال می‌شود» (سبحانی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۰).

آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد به تفصیل هستند. ایشان ضمن بحث در این زمینه ملاک را برای تشخیص عرف معرفی می‌کنند و می‌نویسند: «این یک دقت عقلی یا عقلایی در علم اقتصاد است؛ اما ملاک اصلی عرف است. عرف بر این باور است که ادای دین باید صرفاً از نظر کمیت مشابه باشد، نه بیشتر.

بله، ممکن است گفته شود که برخی بانک‌ها در برخی کشورها برای سپرده‌های نزد خود، دو نوع سود پرداخت می‌کنند: یکی سود ظاهری و دیگری سود واقعی، بر اساس دیدگاه آنها در جواز ربا. اگر این دیدگاه در جامعه گسترش یابد و به امری شناخته‌شده در میان همه، از خردسال و کهن سال گرفته تا کسبه تبدیل شود و معاملات بر اساس آن صورت گیرد، می‌توان گفت که سود ظاهری یک منفعت و غنیمت واقعی نیست؛ اما به وضوح مشخص است که این امر هنوز به چنین سطحی نرسیده است، حداقل تا جایی که ما از مردم این کشورها که مشاهده‌شان می‌کنیم شناخت داریم؛ بنابراین نمی‌توان معاملات را بر این اساس بنا نهاد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۶۰).

ایشان در تکمیل نظرشان در کتاب بحوث فقهیه از ضمان در صورتی که فاحش باشد دفاع می‌کنند و برای آن دلایلی از قبیل عرف مردم و عقلا، اصل عدالت، اشتغال ذمه و لزوم اطمینان به فراغ ذمه و قاعده لاضرر ذکر می‌کنند. درباره تغییر ارزش پول کاغذی در طول زمان و تأثیر شرایط اقتصادی بر آن صحبت می‌کنند و استدلال می‌کنند که نباید ارزش اسمی نوشته‌شده روی پول را معیار اصلی در محاسبه ارزش واقعی آن قرار داد؛ زیرا ارزش واقعی پول در زمان‌های مختلف متفاوت است.

همچنین این بحث را مطرح می‌کنند که احکام شرعی از شریعت گرفته می‌شوند؛ اما موضوعات از عرف استخراج می‌شوند. مگر در مواردی که حقیقت شرعیه وجود دارد... در مورد ادای دین، شارع دستور به پرداخت بدهی داده است؛ اما معیار تحقق این پرداخت از نگاه عرف و عقلا تعیین می‌شود؛ بنابراین، اگر کسی صد تومان قرض گرفته باشد و پس از چهل سال بخواهد همان مقدار را بازگرداند، عرف این را ادای واقعی دین نمی‌داند؛ زیرا ارزش مالی آن مقدار پول به مرور زمان تغییر کرده است.

همچنین به اصل عدالت در اسلام اشاره می‌کنند و با استناد به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء: ۱۳۵) بیان

می‌کنند که پرداخت صد تومان پس از چهل سال، از نظر عرف عقلایی عادلانه نیست و بیشتر شبیه شوخی است. در نهایت، با اشاره به اصل احتیاط در دین و اصل اشتغال ذمه در زمان یقین به اشتغال و شک در برائت آن، معتقدند که باید مقدار پولی پرداخت شود که جبران کاهش ارزش پول را بکند (همو، ۱۳۸۰، ص ۳۷۴-۳۷۶).

در ادامه می‌فرمایند: اگر بگویید پایبندی به این امر مستلزم پایبندی به تفاوت‌های جزئی‌ای است که در ارزش مالی اوراق بهادار رخ می‌دهد؛ بنابراین، اگر کسی امسال صد تومان قرض بگیرد، هنگام بازپرداخت در سال آینده باید میزان تورم این دوره را محاسبه کرده و مبلغی را بپردازد که معادل ارزش مالی صد تومان در سال آینده باشد، حتی اگر این تفاوت اندک باشد، مثلاً سه تومان. آن‌گاه می‌گوییم سیره عقلا بر این است که به تغییر جزئی ارزش مالی توجهی نمی‌کنند، پس صد تومان امسال را مساوی با صد تومان سال آینده می‌دانند، حتی اگر در واقع مساوی نباشند. گواه این امر، اقدام آنان به قرض دادن با علم به تغییر ارزش مالی پول است که نشان‌دهنده پذیرش این میزان اندک از کاهش ارزش مالی است؛ برخلاف حالتی که تفاوت شدید باشد؛ زیرا در آن صورت هرگز این نوع تفاوت را در ارزش مالی پول نمی‌پذیرند. بله، اگر سیره عقلا در این زمینه تغییر کند و هرگونه تفاوت مالی را حتی اگر اندک باشد، محاسبه کنند - همان‌طور که در برخی کشورها چنین است -، در آن صورت هنگام بازپرداخت قرض، باید تفاوت ارزش مالی را در هر میزان که باشد در نظر گرفت (همان، ص ۳۷۶).

یکی از افرادی که خیلی مفصل در این موضوع بحث کرده آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی است. ایشان که طرفدار وجه سوم هستند در کتاب خود مطالبی دارند که بخشی از آن به‌طور خلاصه عبارت است از: اگر کسی مبلغی را به عنوان قرض بدهد و ارزش تبادلی آن پول در گذر زمان کاهش یابد، طلبکار نمی‌تواند معادل کاهش یافته آن مبلغ را مطالبه کند؛ زیرا خود

بر این زیان اقدام کرده است. همین استدلال درباره مهریه زنان نیز مطرح می‌شود: اگر شرایط به گونه‌ای بوده که اگر زوج مهریه خود را در زمان اولیه مطالبه می‌کرد همسرش می‌پرداخت، ولی تأخیر کند و مطالبه ننماید و قدرت خرید مهریه کاهش یابد، دیگر حقی برای مطالبه ارزش تعدیل یافته ندارد؛ اما اگر مطالبه کند و شوهر نپردازد ضامن کاهش قدرت خرید خواهد بود. در مقابل، اگر تأخیر در پرداخت از جانب بدهکار باشد و این تأخیر سبب کاهش شدید قدرت خرید شود، بدهکار موظف به جبران این کاهش است؛ همچنین اگر مالک کالایی را که می‌توان با مبلغ قرض داده شده خریداری کرد، در ذمه قرض گیرنده قرار دهد، حق دارد کاهش قدرت خرید اموال قرض داده شده را مطالبه کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۵۱۳).

نظریه مختار در این مقاله، نظریه چهارم یعنی لزوم جبران کاهش ارزش پول مطلقاً است؛ این نظریه اکنون طرفداران نسبتاً زیادی دارد. از آنجا که به دلیل اجتناب از تطویل بنا نیست بحث فقهی در تبیین این نظر گسترده باشد، به طور مختصر به استدلال‌های مطروحه پاسخ داده می‌شود و از نظریه مختار دفاع صورت می‌گیرد.

مطالبی که اینجا در پاسخ به استدلال‌های فوق به طور مختصر قابل طرح است (بحث مفصل مجال دیگری می‌طلبد) این است که:

اولاً، الآن اگر به عرف مراجعه شود، جبران کاهش ارزش پول را ولو فاحش نباشد لازم می‌دانند. بر فرض بیست سال پیش آن گونه که حضرت آیت الله مکارم فرمودند عرف این طور دآوری نداشته باشد، ولی امروز عرف مردم و عقلاً کاهش ارزش پولشان را با گوشت و پوست احساس می‌کنند و معتقد به جبران هستند.

ثانیاً، در مورد قاعده اقدام هم می‌توان گفت: الف) بر فرض صحت جریان قاعده اقدام در مورد مهریه، برای تصمیمات گذشته قابل طرح است، ولی امروز همچنین اقدامی صورت نمی‌گیرد. امروز مهریه‌ها نوعاً سکه

است؛ ب) قاعده اقدام در گذشته هم جاری نیست؛ زیرا وقتی می‌شود گفت اقدام علیه منافع خودش کرده است که علم به ضرر داشته باشد؛ چراکه در فقه هم که از قاعده اقدام بحث می‌شود، مثال به خرید کالای معیوب با علم به عیب مطرح می‌شود و گفته می‌شود چون خودش اقدام به خرید کالای معیوب کرده حقی برای جبران‌ش برای او باقی نمی‌ماند. در مورد مهریه هم اگر همان زمان خانم‌ها توجه به کاهش ارزش مهریه‌شان می‌داشتند اقدام نمی‌کردند و مثل امروز به جای پول رایج، سکه را برای مهریه انتخاب می‌کردند؛ بنابراین نمی‌شود گفت اقدام علیه منافعشان کرده‌اند، ضمن اینکه جبران کاهش ارزش پول برای مهریه امروز به رسمیت شناخته شده و تبدیل به قانون شده است. در مورد قرض هم الآن آنها که برایشان امکانش هست به جای قرض دادن پول سکه به هم قرض می‌دهند و یا شرط جبران کاهش ارزش پول می‌کنند.

ثالثاً، اگر بنا به رجوع به اصل باشد در اینجا می‌تواند اصالة الاحتیاط و اصالة الاشتغال جاری گردد؛ زیرا در اینکه ذمه ما مشغول شده یقین داریم، اکنون شک می‌کنیم که آیا با پرداخت مبلغ اسمی پول ذمه ما بری شده است یا خیر؟ قطعاً اینجا جای اصل عملی اصالة الاشتغال است؛ چون اشتغال ذمه یقینی برائت یقینی لازم دارد.

رابعاً، بقیه ادله به مفهوم مثلیت پول برمی‌گردد که اگر این مفهوم روشن شود جایی برای اصالة البرائه و منافع داشتن لزوم جبران قدرت خرید با ماهیت قرض باقی نمی‌ماند.

همان‌گونه که ذکر شد، گزینه منتخب ما وجه چهارم یعنی لزوم جبران کاهش ارزش پول مطلقاً است و دلایل قابل طرح به شرح زیر است.

۱. مثلیت پول‌های اعتباری به قدرت خرید آن است نه مبلغ نوشته‌شده روی ورقه. شهید صدر در کتاب *الاسلام یقود الحیات* یا *اسلام راهبر زندگی* می‌فرماید: اگرچه اسکناس مثلی است، ولی مثل آن تنها اسکناس نیست،

بلکه آن چیزی است که بیانگر ارزش آن است؛ بنابراین اگر یک بانک هنگام ادای دین مبلغی که بیانگر ارزش پرداختی است بپردازد ربا محسوب نمی‌شود (زندیه، ۱۳۹۱، ص ۲۴۷). همچنین مرحوم آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی می‌گویند: مثلثیت در نقود اعتباری از نظر عرفی و عقلانی با توجه به قدرت خرید آن است، نه به مجرد قیمت اسمی و بنابراین لازم است که در مقام وفاء، این قدرت خرید حفظ شود (هاشمی شاهرودی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۳). ادبیات اقتصادی هم این نظر را تأیید می‌کند؛ لذا در کشورهای سرمایه‌داری هم وقتی صحبت از نرخ بهره می‌کنند دو نوع نرخ بهره را مطرح می‌نمایند؛ یکی نرخ بهره اسمی و دیگری نرخ بهره حقیقی.

۲. اصل عدالت: عدالت از ارکان دین مبین اسلام است تا جایی که در قرآن مجید هدف از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی اقامه عدل معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵): ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. با توجه به ماهیت پول‌های اعتباری اگر قدرت خرید در ادای دین جبران نشود خلاف عدالت است. این امر زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم که خداوند متعال در قرآن مجید یکی از حکمت‌های حرمت ربا را ظلم معرفی می‌کند.

۳. قاعده لاضرر: این قاعده که مستند به حدیث نبوی شریف در قضیه سمره بن جندب است به عنوان یک قاعده فقهیه مورد استناد فقهای عظام است که هرگونه ضرر را در معاملات و ارتباطات منع می‌کند و روشن است که بازپرداخت مبلغ اسمی در دوره تورم ضرری آشکار برای دائن است.

۴. قاعده ید: یکی از قواعد فقهیه قاعده ید است که بیان می‌کند «علی الید ما اخذت حتی تودی». بر اساس این قاعده هرکسی آنچه گرفته باید ادا کند و تا ادا نکند ذمه‌اش بری نمی‌شود. بر اساس تعریفی که برای مثلی بودن

پول اعتباری بیان شد تا قدرت خرید جبران نشود دینش ادا نشده است. علاوه بر این تعدادی از فقها مانند مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی، شهید صدر، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله محسن فقیهی و ... و مخصوصاً مقام معظم رهبری به لزوم جبران کاهش قدرت خرید معتقد گردیده و فتوا داده اند. ایشان در پاسخ به استفتائات، اعتقاد به لزوم جبران کاهش ارزش پول دارند و در پاسخ به این سؤال که اگر وام گیرنده پرداخت وام را از مهلت مقرر به تأخیر بیندازد آیا وام دهنده می تواند مبلغی بیشتر از مقدار وام را از او مطالبه کند؟ می فرمایند: وام دهنده می تواند علاوه بر طلب خود تنزل ارزش پول را نیز مطالبه کند (اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۷۷۲)؛ بنابراین با توجه به نکات فوق الذکر مخصوصاً فتوای صریح مقام معظم رهبری به راحتی می توان نتیجه گرفت که اگر پول مثلی هم باشد، مثلی اش به قدرت خرید است؛ یعنی وقتی همان قدرت خرید تدارك شد، آن وقت برائت ذمه برای مدیون یا ضامن حاصل می گردد و اگر قدرت خرید جبران نگردد حتماً طلبکار به حقش نرسیده است.

روش ها و مدل های استفاده شده از قرض الحسنه در ایران

با توجه به حرمت ربا در اسلام حتی قبل از انقلاب اسلامی در ایران متدینین از تعامل با بانک های ربوی دوری می کردند و ابتدا به طور غیر رسمی در قالب همکاری شغلی و یا صندوق های خانگی به یکدیگر قرض می دادند، ولی بعد به ضرورت این فعالیت از طریق سازوکاری شناخته شده پی بردند؛ لذا ابتدا به تأسیس صندوق های قرض الحسنه در مساجد اقدام نمودند و سپس به تدریج روش های دیگر و جدیدتری طراحی شد و یک تکامل تدریجی را تجربه کرد که به اختصار به معرفی آنها پرداخته می شود.

الف) تأسیس صندوق های قرض الحسنه

صندوق های قرض الحسنه از عناصر بازار غیر متشکل پول و سرمایه اند

که اعتبار مصرفی را به صورت قرض الحسنه در اختیار متقاضی قرار می‌دهند (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱). اولین صندوق قرض الحسنه در ایران در مسجد لرزاده در سال ۱۳۴۸ شمسی تحت عنوان صندوق ذخیره جاوید شکل گرفت. در سال ۱۳۶۳ هیئت وزیران مصوبه‌ای داشتند که بر اساس آن وزارت کشور و بانک مرکزی مأموریت پیدا کردند که بر عملیات صندوق‌های قرض الحسنه نظارت داشته باشند؛ ولی این مصوبه در ۱۳۷۰/۰۸/۰۸ توسط هیئت وزیران لغو گردید (عسکری، ۱۳۷۱، ص ۳۰). در جریان روند تکاملی صندوق‌ها در سال ۱۳۶۷ شورای پول و اعتبار با صدور اعلامیه‌ای صندوق‌های قرض الحسنه را به عنوان مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی شناخت و آنها را به رعایت مقررات موجود ملزم ساخت (همان، ص ۳۱).

ب) حساب‌های قرض الحسنه در بانک‌ها پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا

پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۳ قرض الحسنه به وضعیت مناسب‌تری در نظام بانکی دست یافت؛ به‌طوری‌که هم در طرف تجهیز منابع و هم در طرف تخصیص منابع از این قرارداد استفاده شد. در طرف تجهیز منابع حساب‌های جاری و پس‌انداز قرض الحسنه معرفی گردید که هیچ‌گونه سود و بهره‌ای به سپرده‌گذاران پرداخت نمی‌شود و در طرف تخصیص منابع هم برای هزینه‌های ضروری و واحدهای تولیدی کوچک تسهیلات پرداخت می‌شود. در این تسهیلات هم هیچ‌گونه سود یا بهره‌ای دریافت نمی‌شود. تنها مبلغی که پرداخت می‌شود مبلغی تحت عنوان کارمزد است که طبق ابلاغیه بانک مرکزی نباید از ۴ درصد تجاوز کند؛ ولی ملاک هزینه واقعی است که ممکن است کمتر از ۴ درصد باشد.

ج) بانک‌های قرض الحسنه

اولین بانک قرض الحسنه دولتی در سال ۱۳۸۶ تحت عنوان بانک

مهر ایران تأسیس گردید. این بانک وظیفه دارد که ضمن اعطای وام برای هزینه‌های ضروری، طرح‌های کوچک تولیدی و خدماتی را تأمین مالی کند. پس از چند سال بانک دیگری توسط بخش خصوصی تحت عنوان بانک رسالت آغاز به کار کرد.

نقد مدل‌های موجود

گرچه مدل‌های مورد استفاده در زمان خود نسبتاً از کارایی لازم برخوردار بوده‌اند، ولی نقدهای موجهی در مورد آنها به شرح زیر قابل طرح است:

الف) مشکل بودن دسترسی به منابع قرض‌الحسنه برای عموم مردم

از آنجا که وام‌های قرض‌الحسنه نه تنها ارزان بلکه یارانه‌ای هستند، بدین معنی که در دوران تورم قرض‌گیرنده نه تنها بهایی پرداخت نمی‌کند بلکه پاداش هم می‌گیرد از یک طرف تقاضا برای این وام زیاد و از طرف دیگر عرضه آن محدود است؛ لذا برای دریافت آن صف تشکیل شده و اکثریت متقاضیان از دریافت آن محروم می‌مانند.

ب) کاهش ارزش پول به خاطر تورم

با توجه به تورم‌های بالای کشور در سال‌های پس از ۱۳۵۲ و کاهش مداوم ارزش پول ملی قرض‌دهندگان با زیان فاحش مواجه بوده‌اند و لذا به مرور زمان و توجه مردم به کاهش ارزش دارایی‌هایشان هم در مؤسسات مالی و هم در بین مردم فرهنگ قرض‌الحسنه تضعیف شده است. نگاهی به آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد که نرخ تورم غیر از تعداد معدودی از سال‌های بعد از سال ۱۳۵۲ دورقمی بوده و تا حدود ۵۰ درصد هم افزایش داشته است.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، طی ۳۹ سال پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌طور متوسط با تورم بیش از ۲۲ درصد مواجه بوده‌ایم. این بدان معنی است که افرادی که در این سال‌ها

در حساب‌های قرض‌الحسنه سپرده‌گذاری کرده‌اند، به‌طور متوسط سالانه بیش از ۲۲ درصد از دارایی خود را از دست داده‌اند. این مطلب به‌طور آشکاری با عدالت ناسازگار است و باید برای آن چاره‌ای اندیشید. این مسئله آن‌گاه با اهمیت‌تر می‌شود که توجه کنیم که بر اساس آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره مبارکه بقره یکی از مهم‌ترین عوامل یا حکمت‌های حرمت ربا در قرآن کریم ظلم معرفی شده است؛ لذا می‌توان گفت قرض‌الحسنه در دوران تورم اگر بدون جبران ارزش از دست‌رفته پول باشد با ربای محرم در ظلم بودن هم‌جهت است و لازم است از آن پرهیز شود.

جدول شماره ۱: نرخ تورم در سال‌های پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا

سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم
۱۳۶۳	۱۰/۴	۱۳۷۳	۳۵/۲	۱۳۸۳	۱۵/۲	۱۳۹۳	۱۵/۶
۱۳۶۴	۶/۹	۱۳۷۴	۴۹/۴	۱۳۸۴	۱۰/۴	۱۳۹۴	۱۱/۹
۱۳۶۵	۲۳/۷	۱۳۷۵	۲۳/۲	۱۳۸۵	۱۱/۹	۱۳۹۵	۹
۱۳۶۶	۲۷/۷	۱۳۷۶	۱۷/۳	۱۳۸۶	۱۸/۴	۱۳۹۶	۹/۶
۱۳۶۷	۲۸/۹	۱۳۷۷	۱۸/۱	۱۳۸۷	۲۵/۴	۱۳۹۷	۳۱/۲
۱۳۶۸	۱۷/۴	۱۳۷۸	۲۰/۱	۱۳۸۸	۱۰/۸	۱۳۹۸	۴۱/۲
۱۳۶۹	۹	۱۳۷۹	۱۲/۶	۱۳۸۹	۱۲/۴	۱۳۹۹	۴۷/۱
۱۳۷۰	۲۰/۷	۱۳۸۰	۱۱/۴	۱۳۹۰	۲۱/۵	۱۴۰۰	۴۶/۲
۱۳۷۱	۲۴/۴	۱۳۸۱	۱۵/۸	۱۳۹۱	۳۰/۵	۱۴۰۱	۴۶/۵
۱۳۷۲	۲۲/۹	۱۳۸۲	۱۵/۶	۱۳۹۲	۳۴/۷	-----	-----
میانگین		۲۲/۰۶					

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ج) صوری عمل کردن بانکها

مطلب حائز اهمیت دیگر در نحوه استفاده از عقود اسلامی و از جمله قرض الحسنه صوری عمل کردن بانکهاست که ضمن داشتن آثار سوء اقتصادی دارای آثار سوء فرهنگی نیز می باشد. اگر بگوییم بدعمل کردن و ظاهرسازی در کشور ریشه در بدعمل کردن بانکها دارد سخن گزافی نگفته ایم. وقتی قرض الحسنه به خاطر از دست دادن قدرت خرید مردم به انزوا کشیده می شود و قراردادهای دیگری که اجرای آن در یک نظام بانکی شبیه ایران که ساختارش با بانکداری ربوی تناسب دارد مورد استفاده قرار می گیرد، به آنجا کشیده می شود که به نام مرابحه و مضاربه و مشارکت از ماهیت قرض استفاده می گردد و صوری عمل کردن در نظام بانکی وجه غالب می گردد و این صوری عمل کردن به بانک منحصر نمی شود، بلکه در عرصه های دیگر اجتماع هم عادی انگاری می شود؛ لذا اگر طراحی مطرح شود که قرض الحسنه از انزوا خارج گردد و نیازی نباشد که به نام عقود دیگر از عقد قرض با مبلغ اضافه استفاده گردد کمک خواهد کرد که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد و صوری عمل کردن حذف گردد.

د) اشکال حساب قرض الحسنه امتیازی

سپرده های قرض الحسنه امتیازی از چند جهت محل اشکال است: اولاً، شبیه ربای حکمی در آن وجود دارد و این توجیه که بانک ملتزم به پرداخت قرض در قبال سپرده نمی شود به شوخی بیشتر شبیه است و این هم یکی از مصادیق صوری عمل کردن است و آن فرهنگ مخرب را تشدید می کند. تابه حال سراغ نداریم که این بانکها به یک مشتری که حساب سپرده داشته بگویند به شما وام نمی دهیم؛ چون تعهدی نسبت به اعطای وام به شما نداریم؛ ثانیاً، این مسئله سبب محرومیت طبقات مستضعف از استفاده از این وام می شود؛ چراکه آنها پولی ندارند که سپرده گذاری نمایند.

مدل پیشنهادی

این مدل از قرض الحسنه می‌تواند در دو زمینه بازار سرمایه و عملیات بانکی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. در بازار سرمایه می‌توان اوراق قرضه منتشر کرد و قول جبران قدرت خرید آن را داد که دیگر نیازی به اوراق صوری مثل اوراق مشارکت نباشد و اگر هم از اوراق مشارکت استفاده شود قصد واقعی مشارکت وجود داشته و از مزایای عقود مشارکتی که بسیار زیاد است استفاده گردد؛ مزایایی از قبیل عادلانه‌تربودن، ضدبحران بودن، تقسیم ریسک بین شرکا و ... روش اجرائی به این صورت خواهد بود که ناشر با کسب اجازه از بانک مرکزی یا سازمان بورس اوراق بهادار اوراقی با مبالغ معین منتشر خواهد کرد و دارنده آنها بستانکار ناشر یا بانی (ناشر و بانی می‌توانند یکی باشند) خواهد بود. این اوراق می‌تواند بانام یا بی‌نام باشد؛ ولی بهتر است دارای سررسید باشد. البته اگر بازار ثانویه قوی برای آن شکل بگیرد می‌تواند بدون سررسید هم باشد و دارندگان اوراق در صورت نیاز به نقد کردن آنها می‌توانند اوراق را در بازار ثانویه به فروش برسانند. قیمت اوراق در روز فروش در بازار ثانویه یا در سررسید عبارت خواهد بود از مبلغی که قدرت خرید مبلغ اسمی نسبت به روز انتشار را تأمین کند. انگیزه انتشار دهندگان تأمین مالی و انگیزه خریداران اجر معنوی و در امان ماندن پولشان از کاهش ارزش قدرت خرید خواهد بود.

۲. در سیستم بانکی به این صورت که مردم در حساب‌های سپرده قرض الحسنه سپرده‌گذاری نمایند و بانک‌ها بتوانند بر اساس قراردادی که با سپرده‌گذاران منعقد می‌کنند تا حداکثر معادل نرخ تورم برایشان جبران نمایند. با توجه به اینکه ربا حرام است و ربا به معنای اخذ زیادی در قرض بر اساس قرارداد است، اگر بانک‌ها

با رضایت سپرده‌گذار کمتر از نرخ تورم به آنها پرداخت کند مانعی نخواهد داشت. مسئله مهم واقعی بودن عقد و اخذ مقداری که تمام یا بخشی از قدرت خرید ازدست‌رفته را جبران کند، می‌باشد. گرچه بهتر این است که جبران کل کاهش قدرت خرید مبنای عمل باشد. در طرف تجهیز منابع، اجرایی کردن این مدل بسیار راحت و ساده است؛ زیرا سپرده‌گذاران معمولاً به‌طور غیرمنتظم سپرده‌های خود را برداشت می‌نمایند و می‌توان میانگین موجودی حساب آنها را در طول سال حساب کرد و اگر هم در بین سال بخواهند کل سپرده خود را برداشت نمایند با توجه به در دسترس بودن شاخص قیمت‌ها به‌طور فصلی و حتی ماهانه می‌توان تورم طی مدت مزبور و کاهش ارزش پول سپرده‌گذاران را در آن برهه از زمان که پولشان در اختیار بانک بوده است محاسبه کرد و به آنها پرداخت نمود.

در قسمت تخصیص منابع هم افراد، سازمان‌ها و بنگاه‌های تولیدی می‌توانند برای تمام نیازهایشان از این قرارداد استفاده نمایند. در این صورت کسانی که برای منظور خاصی مانند پرداخت بدهی و یا خرید کالاهای مختلف که احیاناً تحت پوشش مجوزهای بانک نیست و یا برای سرمایه در گردش خود به پول نیاز دارند می‌توانند از این قرارداد استفاده نموده و نیاز خود را بدون نیاز به استفاده از عقود نامناسب و احیاناً صوری برطرف نمایند. در این قسمت از آنجا که معمولاً اقساط به صورت ماهانه پرداخت می‌شود، قدری دقت بیشتری برای جبران کاهش ارزش پول لازم است؛ لذا بازپرداخت اقساط وام در این قسمت به دو صورت به شرح زیر می‌تواند انجام پذیرد:

الف) اقساط بر اساس تورم سالانه جهت جبران کاهش ارزش پول تعدیل شود؛ برای مثال اگر شخصی (حقیقی یا حقوقی) مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان یک ساله وام گرفته باشد و نرخ تورم ۲۰ درصد باشد، اگر بخواهد

یکجا تسویه کند باید حداکثر ۱۴۴ میلیون تومان به اضافه کارمزد به بانک پرداخت نماید، طبعاً سود بانک عبارت خواهد بود از کارمزد دریافتی. اگر همین وام را بخواهد به صورت ماهانه تسویه نماید، طبیعتاً باید نرخ تورم به اضافه کارمزد در هر قسطی اضافه شود. شایان ذکر است که از آنجاکه در این حالت هر ماه مبلغی را به عنوان قسط پرداخت می نماید و وام به تدریج تسویه می شود، به طور میانگین حدود نصف وام دریافتی در طول سال در اختیار وام گیرنده خواهد بود و لذا باید نرخ تورم و یا وام دریافتی برای محاسبه میزان کاهش ارزش پول تقسیم بر دو شود؛ یعنی باید در مثال فوق الذکر ماهانه ۱۱ میلیون به اضافه یک دوازدهم کارمزد سالانه قسط پرداخت نماید. ۱۰ میلیون بابت قسط اصل وام و یک میلیون بابت جبران کاهش ارزش پول و بقیه به عنوان کارمزد پرداخت می نماید.

ب) اقساط به طور مساوی بین ماهها تقسیم شود و نسبت به هر ماه تغییرات شاخص قیمت محاسبه و در کنار کارمزد به قسط ماهانه اضافه شود؛ زیرا وقتی قسط اول را پرداخت می کند آن پول فقط یک ماه نزد قرض گیرنده بوده و به همان نسبت کاهش ارزش داشته است و مبلغ قسط دوم به میزان تغییرات دوماهه شاخص قیمت ها ارزش خود را از دست داده است و ... ؛ برای مثال اگر فرض کنیم شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی وامی به مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان به مدت یک سال دریافت کرده است و فرض کنیم نرخ تورم در آن سال ۲۴ درصد بوده با فرض اینکه این ۲۴ درصد به طور مساوی بین ماهها توزیع شده در ماه اول ۲ درصد به اضافه کارمزد بر اصل قسط افزوده می شود و در ماه دوم ۴ درصد به اضافه کارمزد و در ماه سوم ۶ درصد به اضافه کارمزد و در ماه آخر ۲۴ درصد به اضافه نرخ کارمزد اضافه می شود. اگر فرض کنیم کارمزد ۳ درصد باشد سهم هر ماه ۲۵ صدم درصد خواهد شد. یعنی کل کارمزد ۳،۶۰۰،۰۰۰ تومان و سهم هر ماه ۳۰۰،۰۰۰ تومان خواهد بود. البته می توان کارمزد را ماهانه و یا در اول

و یا آخر دریافت کرد.

بر این اساس و با در نظر گرفتن فروض فوق اقساط ماهانه با محاسبه کارمزد و نرخ جبران کاهش ارزش پول به شرح جدول شماره ۲ خواهد بود.

جدول شماره ۲: مبلغ و جمع اقساط با محاسبه جبران کاهش ارزش پول و کارمزد بانک

مبلغ قسط به ریال	اقساط ماهانه
۱۰۵,۰۰۰,۰۰۰	اول
۱۰۷,۰۰۰,۰۰۰	دوم
۱۰۹,۰۰۰,۰۰۰	سوم
۱۱۱,۰۰۰,۰۰۰	چهارم
۱۱۳,۰۰۰,۰۰۰	پنجم
۱۱۵,۰۰۰,۰۰۰	ششم
۱۱۷,۰۰۰,۰۰۰	هفتم
۱۱۹,۰۰۰,۰۰۰	هشتم
۱۲۱,۰۰۰,۰۰۰	نهم
۱۲۳,۰۰۰,۰۰۰	دهم
یازدهم ۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰	
۱۲۷,۰۰۰,۰۰۰	دوازدهم
۱,۳۹۷,۰۰۰,۰۰۰	جمع

منبع: محاسبات نویسنده.

روش محاسبه دوم بر روش اول ترجیح دارد؛ چون اولاً، عادلانه‌تر و دقیق‌تر است؛ زیرا به همان میزانی که پول قرض‌دهنده در اختیار قرض‌گیرنده بوده کاهش ارزش جبران شده و ثانیاً، اقساط به‌طور پلکانی از کوچک به بزرگ دریافت می‌شود و قرض‌گیرنده کمتر تحت فشار قرار می‌گیرد.

این روش می‌تواند برای هر چند سال مورد استفاده قرار گیرد؛ به این صورت که ابتدا کل وام به اقساط مساوی تقسیم می‌شود و سپس هر قسطی

در هر ماهی که بناست پرداخت شود با روز دریافت وام مقایسه شده و متناسب با کاهش ارزش پول از زمان پرداخت وام تا زمان پرداخت آن قسط به قسط اولیه اضافه می‌شود؛ مثلاً اگر قسط اولیه ۱۰ میلیون تومان بوده و پس از ۵ سال یعنی در قسط شصتم شاخص قیمت‌ها نسبت به روز دریافت وام ۳۰۰ درصد افزایش پیدا کرده قسط ماه شصتم سه برابر قسط به اضافه کارمزد خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرض الحسنه یکی از ارکان بانکداری اسلامی به حساب می‌آید؛ اما متأسفانه با توجه به تورم دائمی و نتیجتاً کاهش ارزش پول ملی در ایران به دلیل متضرر شدن قرض‌دهندگان این سنت حسنه به تدریج در جامعه و بانکداری اسلامی مهجور واقع شده است. این امر سبب شده که برخی از نیازهای مردم یا واحدهای تولیدی در تأمین نیازهای مالی خود مانند پرداخت بدهی یا تأمین سرمایه در گردش با مشکل مواجه گردند. این امر از یک سو موجب محرومیت این اشخاص از تأمین نیاز خود شده و از سوی دیگر موجب استفاده از قراردادهای غیرمرتبط و صوری شده است که آثار نامطلوب اقتصادی و فرهنگی به بار آورده است. استفاده صوری از قراردادها منجر به ظاهرسازی در دیگر عرصه‌های زندگی نیز شده است.

بر این اساس در این مطالعه تلاش شد که راه‌حلی برای این مشکل پیدا شود؛ لذا ضمن تبیین قرض الحسنه از نظر مفهومی و فقهی و نیز تبیین مفهوم ربا در فقه اهل بیت (ع) بحث چالش‌برانگیز جبران قدرت خرید پول در قرض الحسنه از نظر اقتصادی و فقهی بررسی شد. با توجه به مفهوم ربای قرضی که در آن شرط اخذ زیاده در قرارداد وجود دارد و با توجه به اینکه ارزش پول‌های اعتباری در قدرت خرید آنهاست، با استفاده از منطق اقتصادی و بررسی فقهی و نیز فتوای برخی از فقهای عظام مخصوصاً مقام

معظم رهبری نتیجه گرفته شد که در صورتی که به اندازه نرخ تورم زیاده اخذ شود با توجه به شاخص تأمین قدرت خرید، اخذ مازاد صدق نمی کند و بنابراین ربا تحقق نمی یابد.

با استفاده از این مباحث مدلی اجرایی ارائه گردید که هم مشکل مردم و تولیدکنندگان را حل نماید و هم قرض الحسنه از حالت مهجوریت خارج شود. بر اساس این مدل هم در بازار سرمایه می توان اوراق قرضه با همین نام منتشر کرد و هم وام های کوتاه مدت و بلندمدت پرداخت کرد و قدرت خرید وام دهنده را تأمین نمود. نکته شایان توجه این است که حداکثر باید به اندازه نرخ تورم جبران کرد؛ اما اگر وام دهنده به درصد کمتری رضایت دهد اشکالی نخواهد داشت؛ چون گرفتن اضافی در قرض ممنوع است، ولی گرفتن کمتر که درواقع به منزله بخشیدن بخشی از قرض است مانعی ندارد.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۱). قرض الحسنه. قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- امام خمینی، روح الله [بی تا]. تحریر الوسیله. ج ۱، قم، مطبعة الاداب.
- [بی تا]. تحریر الوسیله. ج ۲، طرابلس، مكتبة العالمية الاسلاميه.
- [بی تا]. کتاب البیع. قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- الزبید، محمدمرتضی [بی تا]. تاج العروس من جواهر القاموس. ج ۱۰، [بی جا]، [بی نا].
- زندیه، مهدی (۱۳۹۱). اسلام راهبر زندگی. ترجمه کتاب الاسلام یقود الحیات نوشته شهید سید محمد باقر صدر. تهران، انتشارات وزارت ارشاد.
- الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ ق). الفقه على المذاهب الابعة. ج ۲، قم، دار احیاء التراث العربی.
- الحر العاملی، محمدبن حسن [بی تا]. وسائل الشیعه. ج ۳، [بی جا]، [بی نا].
- حسن زاده، حسین، قوام، محمدحسین، کریمی وردنجان، رضا، هاشمی فر، سیدمهدی (۱۳۹۹). شناسایی و ارزیابی چالش های فقهی اقتصادی سپرده امتیازی در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۲).
- خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۰). اجوبة الاستفتاءات. تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- خرازی، سیدمحسن (۱۴۲۳ ق). البحوث الهامة في المكاسب المحرمة. ج ۴، قم، مؤسسه در راه حق.

- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۷). مسائل فقهیه. قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع).
 طباطبائی، سید محمدحسین [بی تا]. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲ و ۴، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
 عسکری، جعفر (۱۳۷۱). بررسی عملکرد صندوق های قرض الحسنه در ایران. دومین سمینار سیاست های پولی و ارزی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی بانکی.
 فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۶). ضمان انخفاص قيمة النقد. قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع).
 فروغ نژاد، حیدر، خوشنود، مهدی (۱۳۹۶). اوراق قرضه و تأمین مالی کسب و کارهای اجتماعی. تحقیقات مالی اسلامی، ۶ (۲).
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). ربا، بانک و بیمه. تهران، انتشارات صدرا.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ ق). أنوار الفقاهة فی أحكام العترة الطاهرة (الخمس والأئمة). قم، مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (ع).
 — (۱۳۸۰). بحوث فقهیه مهمه. قم، مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (ع).
 — (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. ج ۳۶، ج ۲، قم، دارالکتب الاسلامیه.
 موسویان، سیدعباس، میثمی، حسین (۱۳۹۷). سپرده تعاونی (امتیازی) به عنوان نسل دوم فعالیت های قرض الحسنه. اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۱).
 النجفی، محمدحسن (۱۴۱۲ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. ج ۸، [بی جا]، مؤسسه المرتضی العالمیه.
 — (۱۳۶۵). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. ج ۲۳، قم، دارالکتب الاسلامیه.
 ناجی، مهدی (۱۳۹۸). بررسی عقد قرض به عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی. تحقیقات اقتصادی، ۵۴ (۲).
 هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۷۸). قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 هاشمی شاهرودی، سید محمود [بی تا]. بحوث فی الفقه، کتاب الخمس. ج ۲، [بی جا]، [بی تا].
 — (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). ج ۲، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/faqihi/feqh2/1403/14031011>

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/faqihi/feqh2/1403/14031102>

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/faqihi/feqh2/1403/14030920>